

## عنوان مقاله:

جلوه‌های خردستیزی در شعر حافظ

## محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، دوره 54، شماره 223 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

## نویسنده:

## خلاصه مقاله:

چکیده در مقایسه محتوایی آثار مهم ادبیات عرفانی ایران و نیز تمام آثاری که صبغه عرفانی دارند، موضوعات مشترک فراوانی به چشم می‌خورد که بحث تقابل عقل و عشق یکی از آنهاست و میتوان از آن به رویارویی فلسفه و عرفان نیز تعبیر کرد. در این منازعه بخش قابل توجهی از غوغای کارزار عقل و عشق شاعران متوسطی هستند که تنها با سلاح تقلید و تکرار اندیشه‌های خردستیز در میدان ظاهر شده‌اند و نه از روی باورهای برخاسته از تجربه‌های عرفانی. آنها صرفاً از دیدگاه ذوقی و شاعرانه و با تکیه بر سنت‌های ادبی، عشق را بر عقل ترجیح داده‌اند لیکن در میان انبوه این شعرا، شاعران معدودی را نیز سراغ داریم که با افکار متعالی عرفانی در این مصاف قد علم کرده‌اند و اندیشه‌های خردستیز و فلسفه‌گریز در کلام آنها به شکل بنیادین و به‌عنوان یک باور استوار، و نه از روی تقلید و تکرار مطرح می‌شود. در میان شاعران دسته اخیر، حافظ به دلیل تجلی اندیشه‌های خردستیز در نهان و آشکار شعرش جایگاهی ویژه دارد. با توجه به شعر و اندیشه حافظ اگرچه انتظار نمی‌رود مقام و دلبستگی‌های عرفانی حافظ با آنچه ما از مولانا و عطار سراغ داریم، پهلو بزند لیکن حضور اندیشه‌های عرفانی و به تبع آن باورهای خردستیز در کلام او به‌قدری پررنگ است که اگر او را به‌عنوان شاعری عارف- نه عارفی شاعر- در سلک این بزرگان یاد کنیم، سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم. در این مقاله جلوه‌های مختلف خردستیزی در دیوان حافظ که در لباس ذم عقل جزئی، نفی فلسفه و حکمت فلسفی، نفی علوم مکتبی و مدرسی و توصیه به مستی رخ مینماید، بررسی شده است.

## کلمات کلیدی:

خردستیزی، عقل جزئی، فلسفه، علوم، شعر عرفانی، حافظ

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1199843>

